

گذار روزگار

رومن گاری

مترجم
سمیه نوروزی

رومن گاری، متولد ۱۹۴۰ء، معلم، جملانی، فعالیت‌های ازاد و خلبان
پس‌افکن در حسک جهانی دو هزار کیلو گرمان و قیامت‌نمودن سالهای ۱۹۷۵ و
۱۹۸۵ همه‌ی هم‌تر نویسنده‌ای که باشند پیمان در سال‌های ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳
جایزه‌ی گذشت برای آن خود کیلو گرمان گلشنده بود. ساله شد، شرکت
اتصالات کالیمار حد سالگی این نویسنده را با انتشار دو کتابی جشن
گرفت که نیز این پیاپی شنیده بودند: شرب مرکون و گذار دور کن.

۷	مقدمه‌ی مترجم
۱۱	مقدمه‌ی روزه‌گرونیه
۱۵	یادداشت ناشر
۱۷	۱. وعده‌ی سپیده‌دم
۳۳	۲. از ارشت تا سیاست
۴۷	۳. از سیاست تا سینما
۶۳	۴. گذار روزگار
۷۹	یادداشت‌ها
۸۳	سالشمار زندگی رومن گاری

وعده‌ی سپیده‌مدم

دستورات شاهزاده و کلیات و مکالمه نسبت به این موضع
که باید برای این مقاله در مقدمه مذکور شده باشد
و متن این مقاله در مقدمه مذکور شده باشد
و متن این مقاله در مقدمه مذکور شده باشد
و متن این مقاله در مقدمه مذکور شده باشد
و متن این مقاله در مقدمه مذکور شده باشد

از من خواسته‌اید کمی از زندگی ام برایتان بگویم، به این بهانه که
یکبار تجربه‌اش کرده‌ام. اما خودم زیاد از این بابت مطمئن نیستم،
خصوصاً این‌که به نظرم این زندگی است که ما را تجربه کرده و
مالک ماست. وقتی به زندگی گذشته‌مان نگاهی می‌اندازیم، احساس
می‌کنیم این زندگی متعلق به ما بوده و خودمان انتخابش کرده‌ایم.
با شخصه می‌دانم که در زندگی ام حق انتخاب چندانی نداشته‌ام، می‌دانم
که تاریخ در عام‌ترین و در عین حال خاص‌ترین و روزمره‌ترین
معناش اختیار مرا به دست داشته و به عبارتی کلاه از سرم برداشته.

من سال ۱۹۱۴ در روسیه متولد شدم. پدر و مادرم بازیگر بودند و
اولین خاطراتم خاطراتی است از تئاتر، از پشت صحنه‌های تئاتر.
انقلاب ۱۹۱۷ روسیه هم یادم است. توی میدان سرخ خوابیده بودم.
گلوه‌ها سوت می‌کشیدند. مادرم خودش را انداخت رویم تا آسیبی
به من نرسد. روزی را یادم می‌آید که نشسته بودم روی شانه‌های یک
سر باز نیروی دریایی روس تا بتوانم مادرم را که توی سالن روی
صحنه بود ببینم. آن‌طور که می‌گفتند، مادرم بازیگر اسم و رسم‌داری
نیود. این لحظه را خوب یادم است: روی صحنه‌ی نمایش، روستایی
را می‌دیدی که در آتش می‌سوخت و داشتند از سکنه خالی اش